یادداشت

ایران در بزنگاه سخت

ادامه از صفحه اول

سوم، بزرگ‌ترین مانع توسعه اقتصادی ایران نه صرفا تحریم‌های خارجی، بلکه بوروکراسی سنگین، قوانین دست‌وپاگیر و نهادهای ناکارآمد داخلی است. وقتی دولت و نظام بانکی با مقررات محدودکننده مسیر فعالیت‌های مردم را سد می‌کنند، امیدی به رونق پایدار باقی نمی‌ماند. راه نجات، آزادسازی فعالیت‌های اقتصادی، کاهش مداخلات غیرضروری دولت و تسهیل فضای کسب‌وکار است. کشور نمی‌تواند هم‌زمان بار تحریم‌های سخت و قیدوبندهای داخلی را به دوش بکشد. در شرایطی استثنائی، باید به اقداماتی استثنائی اندیشید؛ جسارت در اصلاح ساختارها، اعتماد به نیروی خلاق جامعه و فراهم‌کردن میدان برای ابتکار و تولید. در این صورت، حتی دل‌سنگین‌ترین فشارها نیز می‌توانند به فرصتی برای جهش بدل شوند.

چهارم، بازسازی سرمایه اجتماعی ضرورتی حیاتی است. یکی از ریشه‌های بحران کنونی، فاصله روزافزون میان حکومت و جامعه است. برخورد امنیتی با فعالان مدنی و سیاسی نه‌تنها مشکلی را حل نکرده، بلکه اعتماد را نیز فرسوده است. ایران نیازمند حاکمیتی با اعتمادبه‌نفس بالاتر است؛ حاکمیتی که میان نقد خیرخواهانه و خیانت مرز دقیق بگذارد و فقط براساس اسناد روشن و متقن با خائنان واقعی برخورد کند، نه با برداشت‌های تنگ‌نظرانه و سلیقه‌ای. فقط با گشایش سیاسی، مدارا و پذیرش نقد است که سرمایه اجتماعی می‌تواند بازسازی شده و جامعه بار دیگر به آینده امیدوار شود.

پنجم، تعامل مردمی با جهان، کلیدگشودن افق‌های تازه است. ایران نمی‌تواند در انزوا به پیش رود. تقویت رفت‌وآمدهای دانشگاهی، علمی، فرهنگی و گردشگری بهترین راه برای پیوندزدن جامعه ایران با جهان است. ایجاد فضای امن برای این تبادلات، کشور را از انگ‌های امنیتی می‌رهاند و تصویری مثبت‌تر به نمایش می‌گذارد. در پرونده‌های واقعی جاسوسی یا خرابکاری نیز شفافیت در انتشار اسناد، فرصت سوءاستفاده تبلیغاتی را از طرف مقابل می‌گیرد و نشان می‌دهد که ایران کشوری مسئول و قانون‌مدار است.

به این ترتیب، بازسازی اعتماد در داخل و تعامل سازنده در خارج می‌تواند دو بال اصلی برای عبور ایران از دشوارترین مقاطع تاریخی‌اش باشد.

ششم، عقلانیت منطقه‌ای ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. نفوذ ایران در منطقه واقعیتی انکارناپذیر است، اما نیازی به اعلام آشکار و پیوسته آن وجود ندارد. در شرایط کنونی، کاهش سطح مداخلات علنی و حرکت در مسیر دیپلماسی پنهان می‌تواند هم هزینه‌ها را کاهش دهد و هم دستاوردها را افزایش بخشد. زمانی که نفوذ با عقلانیت و تدبیر همراه شود، قدرت ایران در منطقه پایدارتر و پذیرفتنی‌تر خواهد بود.

هفتم، تنوع‌بخشی به روابط خارجی راهی مطمئن برای کاهش فشارهاست. چین، روسیه و سایر قدرت‌های شرقی هرچند جایگزین کامل غرب نیستند، اما می‌توانند بخشی از بار فشارهای اقتصادی و سیاسی را تعدیل کنند. ایران باید در اجرای توافقات پیشین با این کشورها جدیت بیشتری نشان دهد و هم‌زمان مراقب باشد تا رابطه‌ای یک‌سویه و وابسته شکل نگیرد. تنوع شرکا، امکان مانور بیشتر و استقلال عمل بالاتری به کشور می‌بخشد و ایران را به بازیگری متوازن‌تر در نظام بین‌الملل تبدیل می‌کند.

چنین راهبردی -همراه با بازسازی اعتماد داخلی، اصلاح ساختارهای اقتصادی و هوشمندی دیپلماتیک- می‌تواند مسیر تازه‌ای برای عبور از بحران‌ها و گشودن افق‌های امیدبخش پیش‌روی ایران بگشاید.

هشتم، اقتصاد مرزی و منطقه‌ای می‌تواند به موتور محرکه‌ای تازه برای ایران بدل شود. بازارهای مرزی با کشورهای همسایه ظرفیت‌های فراوانی برای تجارت، سرمایه‌گذاری و تبادل کالا دارند. تسهیل رفت‌وآمد، چشم‌پوشی موقت از برخی مقررات سخت‌گیرانه پولی و مالی و ایجاد چارچوب‌های نظارتی شفاف، فرصتی استثنائی برای کاهش فشار تحریم‌ها فراهم می‌کند. این سیاست علاوه بر آنکه به معیشت مردم مناطق مرزی جانی تازه می‌بخشد، منابع ارزی تازه‌ای نیز برای کشور ایجاد خواهد کرد.

خلاصه کلام آنکه ایران امروز در میانه توفانی ایستاده است که نه با انکار می‌توان از آن گریخت و نه با تکرار روش‌های کهنه می‌توان بر آن غلبه کرد. راه نجات، در عقلانیت سیاسی، اقتصادی آزادتر، دیپلماسی فعال، بازسازی اعتماد اجتماعی و کاستن از تنش‌های غیرضروری نهفته است.

اگر چنین رویکردی با شجاعت و تدبیر در دستور کار قرار گیرد، ایران می‌تواند از وضعیت بن‌بست عبور کرده و جایگاه خود را در نظم جهانی متلاطم حفظ و حتی تقویت کند. در غیر این صورت، خطر فرسایش داخلی و فشار خارجی بیش از هر زمان دیگری آینده کشور را تهدید خواهد کرد. انتخاب امروز، انتخابی سرنوشت‌ساز است؛ تکرار فرسایش یا گشودن افقی تازه برای ملت ایران.

از «غرب‌زده» تا «غرب‌گرا» و سیاست «گفت‌وگو»

ادامه از صفحه اول

- اقتصاد ایران هیچ‌گاه اقتصادی باز و آزاد یا لیبرال نبوده است: آزادی اقتصادی (۱۶۹ بین ۱۷۶ کشور، یکی از ۱۰ اقتصاد بسته جهان)، حاکمیت قانون (۱۱۹ بین ۱۳۹ کشور)، فضای کسب‌وکار (۱۲۷ بین ۱۹۰ کشور) و... این رتبه‌ها هیچ نسبتی با اقتصادی لیبرال ندارد.

- هیچ اقتصادی نمی‌تواند رشد بالا و باثبات داشته باشد، اگر در تعامل با جهان نباشد، به‌ویژه جهان پیشرفته و توسعه‌یافته و نه یک بخش جداشده از منظر ایدئولوژیک (به اصطلاح شرق)؛ چنان‌که پیشرفت همان کشور مورد ستایش مخالفان اقتصاد آزاد یعنی کشور چین (ما باید مثل چین عمل کنیم. تا وقتی مردم انتخاب می‌کنند اوضاع مملکت درست نخواهد شد- امیرحسین ثابتی-۱/۷) ناشی از بازکردن درهای اقتصادش به سوی غرب بوده است. از آزادسازی بسیاری از بازارها و دعوت از فریدمن برای سخنرانی تا واگذاری سهام تیک‌تاک به آمریکایی‌ها برای از دست ندادن بازار عظیم این کشور.

- از دل تحلیل‌های جناب یاسر جبرائیلی و کسانی مانند ایشان هیچ راه‌حلی جز سرکوب بیشتر علم اقتصاد و عالمان اقتصاد و فعالان اقتصادی مستقل و نهادهای بخش خصوصی درنمی‌آید. راه‌حل‌هایی که نه ممکن است و نه مطلوب. مطلوب نیست، چراکه اگر بود، هفت برنامه توسعه و انواع منشورها و سیاست‌ها و قوانین خرد و کلان و... تدوین و تصویب نمی‌شد. ممکن هم نیست چون امروز به علم همین عالمان و کارشناسان اقتصادی و سرمایه و تجارب همین فعالان و بنگاه‌ها (وجود حدود ۹۰ هزار بنگاه کوچک و متوسط و حدود هزار شهرک و ناحیه صنعتی در اقصی‌نقاط کشور) و نهادهای بخش خصوصی برای اداره امور پیچیده اقتصادی (و حتی دورزدن تحریم‌ها) اعم از حضور در بازارهای مالی و تجاری تا امور صادراتی و وارداتی و... نیاز است.

- اقتصاد کشورمان خوشبختانه حتی در شرایط سخت امروز و پس از سال‌ها تحریم و انزوا و... آن‌قدر بزرگ‌تر از ابتدای انقلاب و دهه ۶۰ هست که باید حرف و سخن طرفداران آزادی و رقابت اقتصادی و حق انتخاب شهروندان و حقوق شهروندی را جدی گرفت و با آنان وارد گفت‌وگو شد، هرچند نتیجه این گفت‌وگو برای فرد گفت‌وگوکننده کسب وجهه باشد و نه تغییر روش و منش فکری و عملی اما برای جامعه بی‌شک نتایج نیکویی در بر دارد، چه در آگاهی از چرایی وضعیت ناگوار و سخت این روزها (شدت‌گیری تحریم‌ها و رشد منفی ۰٫۱درصدی و تورم ۴۵٫۳درصدی و...) و چه انتخاب راه درست برای کاهش این ناملایمات و سنگین‌شدن کفه عقلانیت سیاسی و آزادی اقتصادی در آینده این سرزمین. پس عجالتا گفت‌وگو را پاس بداریم و به احترام گفت‌وگوکنندگان و نه انگ‌زنندگان، کلاه از سر برداریم.

عکس: سهند تاکی، شرق

اقتصاددانان و صاحبان کسب‌وکارهای فناورانه اثرات قیمت‌گذاری دستوری بر اقتصاد دیجیتال را بررسی می‌کنند

تله قیمت‌گذاری

شرق، گروه فناوری: قیمت‌گذاری دستوری در ایران، از صنایع سنتی گرفته تا اقتصاد دیجیتال، به مانعی جدی برای رشد و نوآوری تبدیل شده است. کارشناسان اقتصادی بارها هشدار داده‌اند که دخالت‌های دستوری در بازار نه‌تنها جلوی افزایش قیمت‌ها را نمی‌گیرد، بلکه باعث ناکارآمدی بازار، کاهش سرمایه‌گذاری، عقب‌ماندگی فناوری و حتی مهاجرت نیروی انسانی متخصص شده است. اثرات قیمت‌گذاری دستوری بر بازار هم در ۷ مهر در آکادمی سامان با حضور اقتصاددان‌های برجسته کشور، کارآفرینان و استارتاپ‌ها به بحث گذاشته شد. در این رویداد که با عنوان «موانع بنگاه‌داری در اقتصاد ایران» برگزار شد، با تمرکز روی «تله قیمت‌گذاری دستوری» از تجربه محدودسازی تاکسی‌های اینترنتی و بیمه دیجیتال گرفته تا فشارهای غیرمتعارف بانک مرکزی بر بازار رمزارزها صحبت شد. به باور مدیران حاضر در دو پنل این رویداد، سیاست‌های قیمت‌گذاری دستوری به‌جای حمایت از مصرف‌کننده و تولیدکننده، بیشتر به تخریب بازار و فراری‌دادن کارآفرینان منجر شده است. موسی غنی‌نژاد، اقتصاددان، در این رویداد اعلام کرد که در شرایط حال حاضر اقتصاد ایران، اولین گام برای تصحیح مسیر اقتصاد کشور انحلال سازمان حمایت از مصرف‌کننده و تولیدکننده است. به باور او، تلاش تصمیم‌گیران برای دخالت در قیمت‌گذاری، یک عوام‌فریبی است.

ریشه‌ها و اهداف قیمت‌گذاری دستوری

قیمت‌گذاری دستوری که به باور کارشناسان اقتصادی و فعالان کسب‌وکار عاملی برای محدودسازی بازار و کاهش بهره‌وری است، طی دهه‌های گذشته در ایران بارها اعمال شده و آثار منفی گسترده‌ای در حوزه‌های مختلف اقتصاد، به‌ویژه اقتصاد دیجیتال داشته است. این سیاست که اغلب با هدف کنترل قیمت‌ها یا محافظت از مصرف‌کننده اتخاذ می‌شود، در عمل باعث ایجاد ناکارآمدی، کاهش نوآوری و عقب‌ماندگی اقتصادی شده است. موسی غنی‌نژاد، اقتصاددان برجسته، معتقد است سیاست قیمت‌گذاری دستوری از سال ۱۳۵۳ و هم‌زمان با اهمیت‌یافتن نفت در اقتصاد ایران آغاز شده است. او قیمت‌گذاری دستوری را نوعی عوام‌فریبی می‌داند که نه‌تنها جلوی افزایش قیمت را نمی‌گیرد، بلکه باعث فلج‌شدن اقتصاد می‌شود. غنی‌نژاد در پاسخ به شهرام شریف، پژوهشگر واحد مطالعات اقتصادی آکادمی سامان، در پنل «تله قیمت‌گذاری دستوری» درباره هدف از دخالت در قیمت‌گذاری توضیح داد: «برخی به دلیل عدم درک درست از نظام اقتصادی کشور، در قیمت‌گذاری دست می‌برند و با این کار اقتصاد کشور را فلج می‌کنند. تفکر اشتباهی در سیستم تصمیم‌گیری اقتصادی کشور وجود دارد که گمان می‌کند با دستور می‌تواند جلوی افزایش قیمت‌ها را گرفت و این در حالی است که چنین چیزی امکان‌پذیر نیست. این یک عوام‌فریبی است؛ یا اقتصاد بلد نیستند که این کار را انجام می‌دهند یا بلد هستند و مصلحت ایجاب می‌کند که در قیمت‌گذاری دست ببرند». او ادامه داد: «قیمت‌گذاری دستوری به بعد از انقلاب بازنمی‌گردد که شدت بیشتری گرفت، بلکه این موضوع در سال ۱۳۵۳ به دنبال افزایش قیمت نفت در ایران شروع شد. یکی از اصلی‌ترین ضربه‌هایی که به اقتصاد کشور وارد شده، تصمیمات سازمان حمایت از مصرف‌کننده و تولیدکننده بوده است. راه‌اندازی این سازمان اولین گام برای دورشدن از اقتصاد آزاد بود». غنی‌نژاد در سخنان خود تأیید کرد که این سازمان نه‌تنها باعث تعادل در قیمت‌ها و حمایت از مصرف‌کننده و تولیدکننده نمی‌شود، بلکه در بیشتر مواقع تصمیماتش به گران‌شدن خدمات در کشور می‌انجامد. به باور موسی غنی‌نژاد، سازمان حمایت درواقع از مصرف‌کننده حمایت نمی‌کند، بلکه جلوی تعدیل طبیعی قیمت‌ها را می‌گیرد.

او ادامه داد: «من مطمئنم اگر در شرایط کنونی اقتصاد، این نوع دخالت‌ها متوقف و سازمان حمایت هم منحل شود، حتی بدون هیچ اقدام دیگری، قیمت‌ها بلافاصله نه‌تنها پایین نمی‌رود، بلکه بالا هم می‌رود. آن‌قدر به این موضوع اطمینان دارم که اگر چنین نشود، حاضرم مسئولیتش را بپذیرم».

غنی‌زاده با اشاره به تجربه نفوذ در ایجاد جنگ ۱۲روزه تحمیل‌شده از سوی اسرائیل به ایران اعلام کرد: «جنگ ۱۲روزه نشان داد به چه میزان نفوذی در کشور داریم. همین‌ها در اقتصاد کشور همه ریشه دوانده‌اند. قیمت‌گذاری دستوری ذی‌نفعانی دارد که با اقتصاد آزاد مخالف هستند؛ چون از این وضع سود می‌برند. آنها راه نفوذها را پیدا کرده‌اند و برای خودشان مافیایی شده‌اند». او ادامه داد: «من یک معیار برای اقتصادهای سالم و پویا دارم. زمانی که کارآفرینان و سهام‌های آنها و شرکت‌هایشان میلیارد دلاری می‌شوند، می‌توان فهمید که اوضاع اقتصادی کشور خوب است. اگر این شرکت‌ها رو به کوچک‌شدن بروند، یعنی اقتصاد دچار مشکل است. اما این را هم بگویم که امیدم به همین کارآفرینان و فناوران است و می‌دانم زور هیچ‌کس به فناوری و آدم‌های توانمند نمی‌رسد».

هدف، نابودی اقتصاد است

حسام آرمندهی، هم‌بنیان‌گذار پلتفرم دیوار نیز با انتقاد از دستکاری‌های عمدی در قیمت‌ها، در این رویداد گفت که هدف واقعی این سیاست‌ها نابودی اقتصاد است. او توضیح داد: با کنترل قیمت‌ها و عرضه‌کنندگان، سرمایه‌گذاران از ورود به اکوسیستم‌های اقتصادی بازمی‌مانند و رشد استارتاپ‌ها متوقف می‌شود. به گفته آرمندهی، این محدودیت‌ها موجب مهاجرت نیروی متخصص و کاهش شکل‌گیری کسب‌وکارهای نوپا شده است. او در ادامه به تجربه‌های پلتفرمی همچون دیوار اشاره کرد که قیمت‌گذاری دستوری تا چه حد جلوی رشد و توسعه آن را گرفته است. آرمندهی می‌گوید: «هر بحران اقتصادی، سیاسی و... پیش می‌آید، تصمیم‌گیران به سراغ پلتفرم‌ها می‌آیند و به آنها دستور می‌دهند کالایی را حذف کنند یا قیمت‌گذاری محصولات را در پلتفرم خود نگذارند. در چند سال گذشته بارها به بهانه کنترل بازار مسکن و خودرو به ما دستور داده شده که اعلام قیمت را از روی پلتفرم خود حذف کنیم». او با اشاره به محدودیت اخیر در حوزه رمزارزها اعلام کرد: «چند روز پیش اسنپ‌بک فعال شده و در این بین تنها کاری که دولت انجام داده این بوده که با کسب‌وکارهای رمزارزی برخورد و خرید رمزارز را محدود کند». آرمندهی به آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌های محدودکننده اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «اخیرا بخش‌نامه‌ای خنده‌دار ابلاغ شده که حق ندارید بیش از ۱۵ درصد سود کنید. چنین قیمت‌گذاری دستوری موجب می‌شود انگیزه کارکردن‌مان از بین برود. این در حالی است که آگهی اینترنتی یک کالای نامحدود است و قیمت‌گذاری روی چنین محصولی معنایی ندارد». او با اشاره به عقب‌ماندن اکوسیستم استارتاپی ایران از دنیا و حتی خاورمیانه توضیح داد: «زمانی از طریق شب‌نامه‌ها سعی در دخالت مدیریت کسب‌وکارهای نوآور و فعالیت اقتصادی آنها داشتند. مثلا می‌گفتند مجله اکونومیست اعلام کرده فلان استارتاپ ۵۰ میلیون دلار ارزش دارد و با درست‌کردن یک جریان رسانه‌ای وابسته تلاش می‌کردند بگویند ارزش این استارتاپ کمتر از پنج میلیون دلار است. حالا این دخالت‌ها از طریق بورس دنبال می‌شود. مدیران بورسی و امنیتی در مورد ارزش یک شرکت استارتاپی صحبت می‌کنند که این یک اتفاق واقعا عجیب است؛ چراکه قیمت را بازار تعیین می‌کند». به گفته آرمندهی مجموعه دخالت‌ها در اکوسیستم استارتاپی باعث شده دیگر سرمایه‌گذار خارجی که از اواسط دهه ۹۰ به این اکوسیستم وارد شده بود، این بازار را ترک کند و سرمایه‌گذار داخلی هم که از صنعت‌های دیگر به این اکوسیستم آمده بود، ابراز پشیمانی کند و به دنبال این باشد که سریع‌تر از این بازار خارج شود. آرمندهی تأکید کرد: «اکوسیستم استارتاپی ایران در حالی به این وضعیت افتاده که از اکوسیستم منطقه و کشورهایی مانند امارات و ترکیه چه از نظر تکنولوژی و چه از نظر نیروی متخصص بسیار جلوتر بود. نتیجه چنین دخالت‌هایی این شد که سرمایه‌گذاری در صنعت ما به صفر رسید. روزگاری، در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵، ما جزء کشورهای پیشرو منطقه خاورمیانه در رشد شرکت‌های استارتاپی بودیم. شرکت‌هایی در ایران شکل گرفته بود که علت اصلی موفقیت‌شان وجود نیروی انسانی متخصص و مهندسان توانمند بود». او ادامه داد: «اما حالا از کشورهای منطقه بسیار عقب هستیم. در کشورهای عربی، شرکت‌هایی با جمعیتی کمتر، تکنولوژی ضعیف‌تر و کیفیت خدمات پایین‌تر از ایران، به ارزش‌گذاری‌های بسیار بالاتر رسیده‌اند. این پیام واضحی دارد؛ سرمایه‌گذار ایرانی ترجیح می‌دهد سرمایه خود را در بازارهای خارجی مانند امارات یا قطر به کار بگیرد، چون می‌داند در آنجا بازار آزاد و شفاف وجود دارد و ارزش شرکتش به صورت طبیعی مشخص می‌شود. بله، ممکن است در آن کشورها هم نوسان وجود داشته باشد؛ مثلا یک شرکت در قطر مدتی ممنوعیت فعالیت داشته یا سهامش یک روز هفت تا ۱۰ درصد افت کرده است، اما این طبیعی است، روز بعد سهامش دوباره رشد می‌کند. این یعنی بازار زنده و پویاست». به باور او در ایران اما چنین شرایطی به خاطر دخالت‌های سیاسی و... وجود ندارد در نتیجه رشد در اکوسیستم استارتاپی متوقف شده است. آن‌طور که آرمندهی در این رویداد اعلام کرد، مدل برخورد با کسب‌وکارهای اقتصاد دیجیتال و استارتاپ‌های بزرگ‌تر در چند سال گذشته باعث شده که استارتاپ جدیدی شکل نگیرد: «وقتی شرکت‌های جدید نوع برخورد با ما قدیمی‌ترها را می‌بینند، به این نتیجه می‌رسند که بهتر است وارد این بازار نشوند». همچنین او معتقد است این دخالت‌ها و فشارها اثرات دیگری هم داشت و آن مهاجرت بخش بزرگی از نیروی انسانی است. او می‌گوید اگر تا چند سال پیش مدیران یا فارغ‌التحصیلان تصمیم به مهاجرت می‌گرفتند، حالا تصمیم برای مهاجرت به مقطع تحصیلی در دبیرستان رسیده است.

دستکاری قیمت با تکیه بر شبه‌علم

در بخش دیگر این پنل، علی میرزاخانی، مدیر واحد مطالعات اقتصادی آکادمی سامان، هم اعلام کرد که ایران بیشترین آسیب را از سیاست‌های دستوری قیمت دیده است و این سیاست‌ها بیشتر از همه به بازار ارز آسیب رسانده است. میرزاخانی اعلام کرد که برخی از نظریه‌های اقتصادی که به‌ظاهر به شکل علمی مطرح می‌شوند، درواقع «شبه‌علم» هستند و حتی مشکوک به نظر می‌رسند: «چون در شرایط نابسامان اقتصاد ایران، این نظریات غلط مرتب تبلیغ می‌شوند و ما مجبور می‌شویم برای پاسخ‌دادن به آنها وقت بگذاریم. یکی از این شبه‌علم‌ها این است که گفته می‌شود تورم ایران هیچ ارتباطی با نقدینگی ندارد. این نظریه، درواقع تکرار همان دیدگاه‌های منسوخ دهه ۱۹۷۰ است. در آن زمان، بعد از شوک نفتی، گفته شد افزایش هزینه‌های تولید باعث تورم شده است. اما تجربه نشان داد که دلیل اصلی تورم، سیاست‌های بانک مرکزی در افزایش نقدینگی بود؛ چراکه برای جلوگیری از رکود ناشی از افزایش قیمت نفت، پول چاپ کردند. نتیجه چه شد؟ پدیده «رکود تورمی» به وجود آمد؛ نه‌تنها رکود رفع نشد، بلکه تورم هم اضافه شد». او ادامه داد: «از همان‌جا بود که اقتصاددانان پذیرفتند «تورم فشار هزینه» یک افسانه است. شاهدش هم شوک نفتی سال ۲۰۱۱ بود که به‌مراتب شدیدتر از دهه ۷۰ میلادی بود، اما هیچ‌گونه تورم جهانی ایجاد نکرد. دلیلش هم این بود که بانک‌های مرکزی سیاست‌های درست‌تری اتخاذ کردند، بنابراین وقتی امروز در ایران می‌شنویم که می‌گویند تورم ربطی به نقدینگی ندارد و باید پول بیشتری منتشر کنیم، این حرف تکرار همان نظریات شکست‌خورده است. چنین دیدگاه‌هایی، همراه با دستکاری در قیمت‌ها، می‌تواند زمینه‌ساز فروپاشی اقتصادی شود».

او در پاسخ به این سؤال که چه حوزه‌ای بزرگ‌ترین تأثیر منفی را از قیمت‌گذاری دستوری گرفته است، توضیح داد: «یکی از مهم‌ترین دستکاری‌ها در اقتصاد ایران، در بازار ارز رخ می‌دهد. زمانی که درآمدهای ارزی بالا داریم، موتور تولید تورم -یا همان موتور انبساط پولی- همواره روشن است. در چنین شرایطی، تورم وجود دارد اما به دلیل سرکوب نرخ ارز، بازتاب آن در بازار ارز دیده نمی‌شود. نرخ ارز درواقع نماینده قیمت کالاهای وارداتی است. وقتی نرخ ارز را سرکوب می‌کنیم، یعنی اجازه می‌دهیم کالاهای وارداتی با قیمتی پایین‌تر از کالاهای داخلی وارد شوند. این به معنای سرکوب نسبت‌های مبادله و ضربه به تولید داخلی است». میرزاخانی هم با انتقاد از عملکرد سازمان حمایت می‌گوید: «بیشترین ضرر دراین‌میان هم متوجه مردم است؛ هم مصرف‌کننده و هم تولیدکننده. سازمانی که نامش «حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان» است، در عمل به «سازمان تخریب تولید و نابودکردن رفاه مصرف‌کننده» تبدیل شده است. نمونه روشن آن وضعیت فعلی اجاره مسکن است که نتیجه همین سیاست‌های غلط در دستکاری قیمت‌هاست».

درخواست‌های عجیب‌وغریب بانک مرکزی

در این رویداد سهند حمزه‌ای، مدیرعامل آبان‌تتر، به درخواست‌های عجیب‌وغریب بانک مرکزی از فعالان بازار رمزارز خبر داد. او با اشاره به وضعیت صنعت رمزارز و محدودیت‌های اعمال‌شده از سوی بانک مرکزی، هشدار داد که سیاست‌های کنونی به سمت ایجاد محدودیت‌های عجیب و اجرانشدنی پیش می‌رود. او در پنل این رویداد اعلام کرد که برخی مدیران بانک مرکزی مانند دلار نیمایی به دنبال راه‌اندازی «تتر نیمایی» هستند. او با بیان اینکه صنعت رمزارز نسبت به سایر صنایع نوپاتر است، توضیح داد: «بانک مرکزی ما را به مرزی رسانده که گاه مجبور به حذف قیمت تتر از سایت‌ها شدیم. نمی‌توان فناوری را به زنجیر کشید و برخورد با تکنولوژی باید منعطف‌تر باشد».

حمزه‌ای به درخواست‌های غیرمتعارف بانک مرکزی اشاره کرد و ادامه داد: «گاهی به ما گفته‌اند قیمت تتر را مشخص کنید یا فعالیت صرافی در نیمه‌شب متوقف شود. این اقدامات نشان می‌دهد یا درکی از ماجرا ندارند یا عمدا مانع‌تراشی می‌کنند». او بانک مرکزی را «نهاد خودخوانده رمزارزی‌ها» نامید و تأکید کرد که رگولاتور هیچ قانونی در این حوزه ندارد و به شرکت‌ها دستور می‌دهد برای مثال بیت‌کوین بیش از پنج درصد نوسان نکند، درحالی‌که نوسان‌های رمزارز خارج از کنترل صرافی‌هاست.

ادامه در صفحه ۵

یادداشت

ابر بحران آب در ایران؛ از سازه‌های عظیم تا ورشکستگی آبی

امیر منشاری
کارشناس سازه‌های هیدرولیک

ایران، سرزمینی که تمدنش بر پایه آب و قنات‌ها شکوفا شد، امروز با بحرانی دست‌وپنجه نرم می‌کند که آینده سرزمین و نسل‌های آینده آن را تهدید می‌کند. این بحران دیگر صرفا یک هشدار زیست‌محیطی نیست، بلکه به موضوعی امنیت ملی و راهبردی تبدیل شده است. امنیت غذایی، توسعه اقتصادی، مهاجرت جمعیت و حتی ثبات اجتماعی و سیاسی کشور، مستقیما با وضعیت منابع آبی پیوند خورده است.

کاهش سرانه آب و ورود به تنش آبی شدید

طبق آمار وزارت نیرو، سرانه آب تجدیدپذیر ایران از حدود هفت هزار مترمکعب در دهه ۱۳۴۰ به کمتر از هزارو ۲۰۰ مترمکعب در سال ۱۴۰۲ رسیده است. این کاهش شدید، ایران را بر اساس شاخص‌های جهانی به محدوده «تنش آبی شدید» کشانده است. برای مقایسه، سرانه آب در ترکیه بیش از سه هزار مترمکعب و در جهان حدود شش هزار مترمکعب است.

ورشکستگی آبی؛ واقعیتی تلخ

کارشناسان از وضعیتی به نام ورشکستگی آبی سخن می‌گویند؛ وضعیتی که در آن میزان برداشت از منابع آب، به‌ویژه سفره‌های زیرزمینی، بسیار بیشتر از توان تجدید طبیعی آنهاست. بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، حدود ۸۵ درصد از دشت‌های ایران ممنوعه یا ممنوعه بحرانی اعلام شده‌اند. در برخی حوضه‌ها مانند زاینده‌رود و کرخه، برداشت سالانه آب تا سه برابر ظرفیت تجدیدپذیر بوده است. به بیان دیگر، ما سرمایه آبی نسل‌های آینده را پیش‌خور کرده‌ایم.

برداشت بی‌رویه و فرونشست زمین

دهه‌ها توسعه کشاورزی بدون توجه به ظرفیت منابع آبی، باعث برداشت بی‌رویه از سفره‌های زیرزمینی شده است. امروز بیش از ۴۰۰ دشت ایران با افت شدید سطح آب‌های زیرزمینی مواجه‌اند. پدیده خطرناک فرونشست زمین در حال تبدیل‌شدن به یکی از جدی‌ترین تهدیدات زیرساختی کشور است. در اصفهان میزان فرونشست به بیش از ۳۰ سانتی‌متر در سال رسیده، در حالی که آستانه بحرانی جهانی فقط چهار میلی‌متر در سال است. این بحران خاموش، نه‌تنها زمین‌های کشاورزی و سکونتگاه‌ها، بلکه راه‌ها، خطوط ریلی و شبکه‌های انتقال انرژی را نیز تهدید می‌کند.

نقش سدها و سیاست‌های عرضه‌محور

در نیم‌قرن اخیر، ایران سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در ساخت بیش از ۶۰۰ سد بزرگ و کوچک کرده است. این پروژه‌ها در زمان خود دستاوردهایی همچون تأمین آب شرب شهرهای بزرگ و تولید برق‌آبی داشتند. اما اتکای بیش‌ازحد بر مدیریت عرضه و غفلت از مدیریت تقاضا، نتیجه‌ای جز تشدید بحران نداشته است. انتقال‌های بین‌حوضه‌ای بدون ارزیابی زیست‌محیطی کافی، رودخانه‌ها و تالاب‌ها را خشکانده است. دریاچه ارومیه که زمانی دومین دریاچه شور جهان بود، امروز به کمتر از ۱۰ درصد حجم تاریخی خود رسیده و نمادی از سیاست‌های ناپایدار آبی است.

شهرها در آستانه بحران

اگرچه بیش از ۸۰ درصد آب کشور در کشاورزی مصرف می‌شود، اما بحران آب شهری نیز در حال تشدید است.

ادامه در صفحه ۵

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله ای شماره ۱۴۰۴/۱۱۸۵۷
خرید ۷۰۰.۰۰۰ عدد کیسه خون مخصوص فیلتراسیون خون کامل

سازمان انتقال خون ایران

سازمان انتقال خون ایران در نظر دارد برای خرید ۷۰۰.۰۰۰ عدد کیسه خون مخصوص فیلتراسیون خون کامل، مناقصه عمومی دو مرحله‌ای با شماره ۲۰۰۴۰۰۳۰۰۰۰۰۰۰۲۶ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.
کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت ها، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.
متقاضیان شرکت در مناقصه در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.
مواعد زمانی:
– تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۴/۰۷/۰۸
– مهلت دریافت اسناد فراخوان: ۱۴۰۴/۰۷/۱۲
– مهلت ارسال پیشنهادها: ۱۴۰۴/۰۷/۲۶
– زمان بازگشایی پاکت‌ها: تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۷روز یکشنبه راس ساعت ۹ صبح
– نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: ضمانتنامه بانکی صادره از یکی از بانک های رسمی کشور به نام سازمان انتقال خون ایران به مبلغ ۷۳.۵۲۰.۰۰۰.۰۰۰ (ریال)
اطلاعات تماس و نشانی دستگاه: برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید با شماره ۸۸۶۰۱۵۵۸ واحد امور قراردادها، و جهت انجام مراحل عضویت در سامانه با مرکز تماس سامانه به شماره ۱۴۵۶ و دفتر ثبت نام به شماره ۸۸۹۹۹۹۳۷ تماس حاصل فرمایید.
نشانی: سازمان انتقال خون ایران واقع در تهران، تقاطع بزرگراه‌های شیخ فضل‌اله نوری و شهید همت، بلوک B طبقه دوم سالن اجتماعات دکتر علاء.
شناسه آگهی ۲۰۱۰۷۷۵ م الف ۲۴۲۲ روابط عمومی سازمان انتقال خون ایران